نسیم جنوب

www nasimjonoub .com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۲

دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۳ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

بی‌برقی و خاموشی در تابستان داغ بوشهر





چشم انداز انرژی در بوشهر

علی ابن رومی



نشانه‌های تبدیل شما به بهترین خود

حسین زیرراهی



مسیر نوین برای اصلاحات و توسعه

علی حسن ابراهیمی



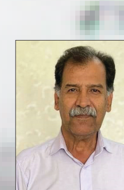
بهینه سازی میدان پارس جنوبی ایران و قطر

عبدالحمید بنچاری



پنج عامل شخصیت انسانی در طایفه گرمسیری

عبدالحسین کنین



هداکِ موی مِید

ابراهیم بشکانی



خاطرات توپ فوتبال چهل تکه

حسین شادکامی



زنان ماستی

حسین موسوی‌نژاد



می‌مانم یا نمی‌مانم؟

مژده مواجی

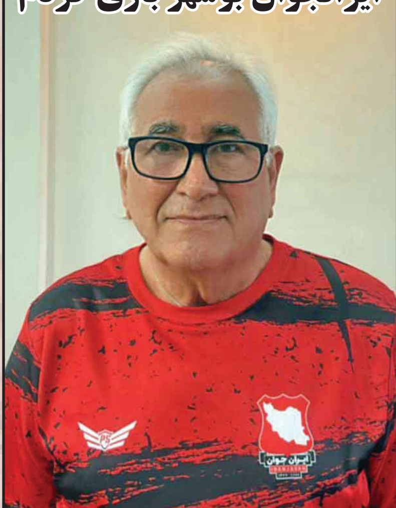


ایرانجوان نیاز به حمایت دارد

نعمت امین نژاد

خاطرات فرهاد امینی پیشکسوت فوتبال تهران و بوشهر

چرا به جای شاهین، در ایرانجوان بوشهر بازی کردم



دستگیری مدیر رشوه گیر در پتروشیمی بوشهر

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: مدیری که با دریافت رشوه‌های کلان مانع از تجهیز و نوسازی صنایع پتروشیمی در بوشهر می‌شد، دستگیر شد.

به گزارش ایسنا، مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: پیرو سفر بهمن ماه سال گذشته حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای به استان بوشهر و دستورات وی ناظر بر رفع آلودگی هوای ناشی از آلایندگی شرکت‌های پتروشیمی در این استان بویژه مناطق عسلویه، کنگان و جَم، «مهدی مهرانگیز» رئیس کل دادگستری استان بوشهر در حاشیه مراسمی در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی پیرامون تدابیر اتخاذ شده برای جامه عمل پوشاندن به دستورات مزبور، اظهار کرد: در جریان سفر رئیس قوه قضاییه به استان بوشهر در بهمن ماه سال گذشته، مصوبه‌ای درخصوص رفع و تقلیل آلودگی هوای ناشی از آلایندگی شرکت‌های پتروشیمی در استان به ویژه در مناطق عسلویه، کنگان و جم مقرر شد. در همین راستا رئیس قوه قضاییه خطاب به دادگستری استان بوشهر دستور ورود به بحث کاهش آلایندگی صنایع را صادر کردند.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر افزود: براساس مصوبه‌ی مورد اشاره و دستور رئیس قوه قضاییه، جلساتی با مدیران صنایع برگزار و مسائل بصورت همه‌جانبه بررسی شد، اما بعد از مدتی اقدام خاصی از سوی این صنایع برای کاهش آلایندگی انجام نگرفت؛ بنابراین تحقیقات مربوطه انجام شد و به این نتیجه رسیدیم که شرکت‌هایی که در زمینه تأمین قطعات جدید برای کاهش آلایندگی به صورت پیمانکار برای شرکت گاز کار می‌کنند، ارتباطات نامتعارفی با مدیر اقتصادی شرکت گاز در عسلویه دارند.

مهرانگیز ادامه داد: پرونده‌ای در این رابطه تشکیل و به نهادهای اطلاعاتی در استان ارسال شد و تحقیقات جامع و دقیقی در این زمینه انجام شد.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر تصریح کرد: با انجام تحقیقات، مشخص شد شرکت‌های پیمانکار مبلغ هنگفتی به مدیر اقتصادی شرکت گاز در عسلویه رشوه پرداخت کرده‌اند که همین موضوع مانع از خرید تجهیزات جدید و نوسازی صنایع می‌شد؛ به همین دلیل ما تغییر محسوسی در کاهش آلایندگی صنایع در منطقه مشاهده نمی‌کردیم.

وی گفت: با ورود دادگستری استان و تشکیل پرونده، فردِ مُرتشی (رشوه‌گیر) دستگیر و به اغلب موارد اتهامی اعتراف کرده است.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر بیان کرد: این مدیر با وجوه دریافتی از طریق رشوه اقدام به خرید ملک در کشورهای دیگر کرده است.

برخورد با سرشبکه‌های کودکان کار در بوشهر آغاز شد

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر گفت: برخورد با سرشبکه‌هایی که کودکان کار را استثمار و با پرداخت مبالغ ناچیزی در خیابان‌ها هدایت می‌کنند، آغاز شده است. همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مرتبط استان در زمینه ساماندهی متکدیان و کودکان کار و خیابان ضروری است و باید در جهت حل این موضوع با جدیت به وظایف خود عمل کنند. در برنامه ریزی کوتاه مدت با همکاری و حمایت مشارکت‌های اجتماعی اقداماتی در زمینه ساماندهی کودکان کار در حال انجام است که تغییر محسوس چهره شهرهای استان را به دنبال دارد.

نمایندگان استان هم در سکوت مطلق؛

بی‌برقی و خاموشی در تابستان داغ بوشهر

در شرایطی که استان بوشهر گرم‌ترین روزهای سال خود را سپری می‌کند، قطعی‌های ۲ الی ۳ ساعته برق در استان بوشهر مردم را کلافه کرده است که سخت‌ترین روزهای زندگی خود را می‌گذرانند.

کمبود برق در کشور و مصرف بالای انرژی در فصل گرما یکی از عوامل اصلی این قطعی‌های محسوب می‌شود که کسری آن را با خاموشی‌های چند ساعته در یکی از گرم‌ترین استان‌های کشور دارند جبران می‌کنند . این وضعیت، ناعدالتی تاریخی و اجحافی بزرگ در حق مردم جنوبی‌ترین نقطه کشور است.

بسیاری از مردم که از این وضعیت صدای‌شان درآمده و کسی هم پاسخگو نیست، معتقدند که برای جبران کمبود برق در کشور باید خاموشی‌ها در مناطق سردسیر و با هوای خنک‌تر اعمال شود چرا که مردم بوشهر در بیشتر ماه‌های سال با گرمای سوزناک دست و پنجه نرم می‌کنند.

این شهروندان از آسیب دیدن لوازم برقی و خانگی خود بر اثر قطعی برق نیز هراس دارند و این موضوع از دغدغه‌های اصلی آنان است چرا که با افزایش سرسام آور قیمت لوازم خانگی خرید دوباره آن‌ها از توان بسیاری از خانواده‌ها خارج است.

یکی از شهروندان بوشهری در این باره می‌گوید که در خانه آپارتمانی زندگی می‌کند که آب از طریق پمپ برای طبقه چهارم تامین می‌شود و همراه با قطعی برق، آب خانه نیز قطع می‌شود و در واقع با مشکل مضاعف رو به رو می‌شوند و زندگی برای آنان که دو کودک خردسال دارند مختل شده است.

نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی به این مطالبه مردم هیچ گونه پاسخی نداده‌اند و سکوت آنها در این شرایط برای مردم جای سوال دارد چرا که یا همیشه ساکت هستند یا در نطق‌های خود به موضوعات کم اهمیت و حاشیه‌ای می‌پردازند و چشم‌های خودشان را در مقابل قطعی برقی که امان مردم را بریده است بسته‌اند./ صدای استان

پیگیری‌ها برای جذب بومی‌ها در پارس جنوبی نتیجه داد

پیگیری آیت الله صفایی بوشهری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر برای سهمیه جذب بومی‌ها در آزمون مجتمع گازی پارس جنوبی نتیجه داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از دفتر نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر، مرحله دوم آزمون استخدامی مجتمع گازی پارس جنوبی در حالی ۲۳ شهریور سال جاری برگزار خواهد شد که با پیگیری‌های آیت الله صفایی بوشهری نماینده ولی‌فقیه در استان بوشهر مقرر شده تا سهمیه جذب بومی‌های شهرستان‌های جنوبی و دیگر مناطق استان به شکل ویژه دیده شود.

گفتنی است مرحله نخست آزمون استخدامی مجتمع گازی پارس جنوبی سال گذشته در دانشگاه خلیج فارس برگزار شد و در این آزمون از حدود ۸۵۰ سهمیه در نظر گرفته شده برای جذب، تنها ۳۲۳ نفر قبول شدند. در مرحله دوم (تکمیلی) این آزمون که امسال برگزار می‌شود پیش بینی شده، حدود ۵۰۰ نفر دیگر جذب شوند.

درخواست‌های جامعه پرستاری به حق است

سرپرست دفتر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: درخواست‌های جامعه پرستاری به حق است اما شیوه پیگیری آنها نباید منجر به خلل در ارایه خدمت به بیماران و تعطیلی بخش‌های مراکز درمانی شود.

رسول عباسی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: خط قرمز جامعه پرستاری، ایمنی ، سلامت بیماران و ارایه خدمت در شیفت ها است و هر رفتاری که بر کمیفت و کمیت این مهم خدشه وارد کند پذیرفتنی نیست.

وی افزود: متناسب سازی نیروی انسانی ، اصلاح ماخذ اضافه کاری و پرداخت مطالبات معوق از مطالبات جامعه پرستاری استان بوشهر است که این امر منجر به تجمع های صنفی شد.

سرپرست دفتر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر یادآور شد: هم اینک جامعه پرستاری و مامایی مراکز درمانی و بیمارستانی دانشگاهی در این استان یکهزار و ۸۰۰ نفر هستند که با کمبود ۶۵۰ نفر نیرو روبرو است .

عباسی ادامه داد: این درحالی است که سالانه ۸۰ دانشجو از دانشکده پرستاری و مامایی استان بوشهر دانش آموخته می شوند و برای تامین این شمار نیرو در صورتیکه همکاری بازنشسته و منتقل نشود و همه دانشجویان نیز تمایل به همکاری با دانشگاه داشته باشند هشت سال زمان می برد تا افراد مورد نیاز تامین شود. برای تامین نیروی مورد نیاز باید سهمیه جذب دانشجو در رشته های پرستاری و مامایی افزایش یابد.

عباسی افزود: مبلغ پرداخت بابت هر ساعت اضافه کاری برای پرستاران و مامایی ها در مقطع کارشناسی ۲۰۰ هزار ریال است که بدلیل جوابگو نبودن معیشت ایجاد انگیزه در این قشر نمی کند.

سرپرست دفتر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی



بوشهر بیان کرد: بدلیل اینکه ماخذ پرداخت اضافه کار پرستاران مراکز بیمارستانی است و درآمد – هزینه بیمارستان ها نیز همخوانی ندارد امکان پرداخت به موقع همین رقم نیز فراهم نیست.

وی یادآور شد: ماخذ پرداخت اضافه کار پرسنل بیمارستانی و مراکز درمانی دانشگاهی باید مانند حقوق از خزانه تامین شود تا این مشکل به شکل ریشه ای حل شود .

عباسی ادامه داد: هم اینک جامعه پرستاری و مامایی استان بوشهر پنج ماه اضافه کار طلب دارند و بدلیل جوابگو نبودن درآمد دانشگاه حل این مشکل در سطح ملی باید تدبیر اساسی شود. همه مشاغل از اهمیت برخوردار هستند اما بدلیل اینکه پرستاران و ماماها با سلامت و جان بیماران در ارتباط هستند رضایت مندی آنها از وضعیت معیشتی امری مهم و ضروری است که تحقق این مهم نیازمند عزم ملی است.

حکم دادگاه تجدیدنظر؛

چهار عضو کانون صنفی معلمان بوشهر به جزای نقدی محکوم شدند



محسن عمرانی، محمود ملاکی، اصغر حاجب و عبدالرضا امانی‌فر از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان بوشهر، توسط شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر این استان، هر یک به بیست و چهار میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدند. این افراد پیشتر در دادگاه بدوی به حبس تعزیری و مجازات های تکمیلی محکوم شده بودند.

به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، چهار فعال صنفی معلمان استان بوشهر به جزای نقدی محکوم شدند.

بر اساس حکمی که در تاریخ بیست و هفتم مردادماه توسط شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان بوشهر صادر و به محسن عمرانی، محمود ملاکی، اصغر حاجب و عبدالرضا امانی‌فر ابلاغ شده، هر یک از آن‌ها به پرداخت بیست و چهار میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدند.

جلسه تجدید نظرخواهی این فعالان در تاریخ بیست و چهارم مردادماه، در شعبه مذکور برگزار شده بود.

پیشتر در مرحله بدوی محمود ملاکی و محسن عمرانی هر یک به دو سال حبس تعزیری، مصادره اموال توقیفی به نفع دولت و سه سال ممنوعیت فعالیت آموزشی در محیط‌های علمی محکوم و عبدالرضا امانی‌فر و اصغر حاجب نیز هر یک به چهار ماه حبس تعزیری و مصادره اموال توقیفی به نفع دولت محکوم شده بودند.

لازم به ذکر است؛ این پرونده در پی اعتراض سراسری معلمان شاغل و بازنشسته سراسر کشور در سال ۱۴۰۱، برای این فعال صنفی معلمان گشوده شد.

در آبان ماه سال گذشته، این فعالین صنفی در خصوص بخش دیگری از پرونده خود توسط شعبه چهار دادگاه کیفری بوشهر هر کدام از بابت اتهام اخلال در نظم عمومی به سه ماه حبس و سی پنج ضربه شلاق محکوم شدند. در اسفندماه همان سال، عبدالرضا امانی فر، اصغر حاجب و محسن عمرانی توسط شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان بوشهر از اتهام مذکور تبرئه شدند.

این فعالان صنفی در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ در بوشهر بازداشت شدند. چندی بعد ملاکی، عمرانی و حاجب در اواخر همان ماه و امانی فر در خرداد ۱۴۰۱، با تودیع وثیقه آزاد شدند.

روابط عمومی بنیاد مسکن بوشهر تقدیر شد



معاون پشتیبانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از عبدالکریم شیخی شتان، مسئول روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر به عنوان روابط عمومی برتر کشور تقدیر کرد.

این نشست با حضور مدیرکل روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مسئولان و کارشناسان روابط عمومی‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سراسر کشور به میزبانی تبریز برگزار شد.

در این نشست مشاور رسانه‌ای ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کشور نیز حضور داشت.

چشم انداز انرژی در بوشهر

علی ابن رومی



با توجه به این‌که خود در آبان سال گذشته قربانی شبکه فرسوده برق هستم، که در این حادثه آسانسورم کامل سوخت و تاکنون از طرف بیمه دی طرف قرارداد شرکت توزیع هیچ نتیجه ای نگرفته‌ام ولی قدردان مدیریت برق شهرستان بوشهر هستم به این دلیل که در کمترین زمان ممکن شبکه را، نوسازی وترمیم کردند و کمال همکاری با اینجانب نمودند.
مردم شریف بوشهر ما باید یاد بگیریم هر جا کاستی وجود دارد، سخت و مجدّانه پیگر باشیم و هرجا که با توجه به امکانات وزیرساخت کشور و استان خدمات خوب ارائه می‌شود قدردان باشیم و قدردانی کنیم، با توجه به خبرهایی که از جراید و دیگر رسانه ها خبر می‌رسد تقریباً تمام استان‌ها و به ویژه نواحی بیست‌گانه پایتخت مرتّب دچار قطعی برق می‌شود که در پی آن آب نیزقطع می‌شود و به همین دلیل ملت شریف ایران که استحقاق بهترین‌ها دارند دچار مشکلاتی شده اند که امیدوارم وزیر نیروی کابینه جدید و مدیریت استان در این دو بخش از همین امروز به فکر سال آینده باشد و تمهیداتی اتخاد نماید که شاهد چنین کاستی‌هایی نباشیم
گرچه در همین بوشهر هم قطعی داشته‌ایم ولی در



مقایسه با دیگر استان‌ها ناچیز بود که امیدوارم در سال‌های آتی همین قطعی هم رویت نشود درود می‌فرستم به مجموعه اداره برق بوشهر از کارگران زحمتکش، مهندسین مخلص و مدیریت دلسوزش که انصافاً بامدیریت درست ودلسوزانه موجب کم شدن مشکلات مردم می‌شوند.
همان‌گونه که استحضار دارید بوشهر یک استان جنوبی و گرمسیر می‌باشد و سال‌هاست دچار خشکسالی‌ست و مانند دیگر استان‌ها هیچ‌گونه رود، و رودخانه‌ای ندارد و از، ازل دچار کم آبی بوده ولی نعمتی دیگر بنام خلیج فارس دارد که از مجموعه ۱۶ شهرستان این استان ساحلی ۸ شهرستان آن بندری هستند و بقیه نیز فاصله چندانی با ساحل ندارند که این موقعیت استراتژیک استان به مسئولین استانی این فرصت می‌دهد که با سرمایه‌گذاری و نصب آبشیرن‌کن روی دریا مشکل آب استان رفع نمایند، البته فراموش نکنیم و نکنید که شبکه فرسوده باعث شده بخش زیادی از آب ورودی شبکه شهری هدر برود که خود به مشکلات می‌افزاید و امیدوارم مسئولین محترم این معضل را مد نظر داشته باشند. مدیریت محترم، سرمایه‌گذاری شده ولی کافی نیست، باتوجه به گسترش جامعه شهری مسئولین بایددر این مهم چشم اندازی ۵۰ ساله داشته باشند تا دیگر شاهد بی آبی ویا اُفت فشار آب موجب درد و رنج این مردم عزیز نگردد و به دیگر مشکلات روزمره افزوده نشود.
مردم نیز که نقش اصلی در دو جریان مصرف آب وبرق دارند، می توانند با مصرف بهینه نقش مستقیمی در پایداری این دو جریان حیاتی داشته باشند. با همین بضاعت کم استانی شاهد تلاش مجدّانه مجموعه اداره آب هستیم که جا دارد از کارگران ومهندسین ومدیریت آن تشکر کرد.

پیوند جوانان، ظریف و دکتر پزشکیان؛ مسیر نوین برای اصلاحات و توسعه

علی حسن ابراهیمی – قائم‌مقام ستاد جوانان دکتر مسعود پزشکیان در استان بوشهر



در این روزهای سرنوشت‌ساز و حساس، میهن عزیزمان بیش از هر زمان دیگری نیازمند اتحاد، انسجام و هم‌افزایی میان همه گروه‌ها و اقشار جامعه است.
امروز، نگاه‌های بسیاری به دولت جدید دوخته شده است، دولتی که دکتر مسعود پزشکیان و با همراهی دکتر محمدجواد ظریف، می‌تواند نقش‌آفرینی تاریخی در مسیر تعالی و توسعه کشور داشته باشد. هر یک از این دو شخصیت برجسته، با پشتوانه‌ای از تجربه، خرد و تعهد، نمادهای بارز عقلانیت و تدبیر در حوزه‌های مختلف مدیریتی و دیپلماتیک به شمار می‌روند. حضور و همکاری نزدیک آنان در این دولت به هر شکل و در هر موقعیت زمانی، بیش از هر زمان دیگری، نه تنها ضروری بلکه تعیین کننده سرنوشت کشور در عبور از چالش‌های پیش‌رو خواهد بود.



در این مسیر، نیاز است که ما با تمام قدرت در کنار دکتر مسعود پزشکیان بایستیم و از ایشان حمایت کنیم. ایشان با دیدگاه‌های اصلاح طلبانه ی نرم و توجه ویژه به نیازهای جامعه، می‌تواند مسیر را برای رسیدن به اصلاحات واقعی و اساسی هموار سازد. بدون شک، اصلاحات در جامعه نیازمند صبر، تدبیر و پایداری است و تنها با ایستادگی و حمایت از دکتر پزشکیان می‌توان به تدریج به این اهداف دست یافت.
باید به خاطر داشته باشیم که تغییرات بزرگ، نیازمند اراده‌های استوار و پشتیبانی همگانی است و دکتر پزشکیان با تعهد به آرمان‌های اصلاح‌طلبی، شایسته حمایت گسترده ماست، نیک می‌دانیم همین امروز هم به آن‌چه می‌خواستیم نزدیک شده‌ایم.
از سوی دیگر، کشور ما امروز به امید و اعتماد مردم به آینده‌ای روشن و بهتر نیازمند است. یکی از مؤثرترین راهکارها برای بازگرداندن این امید و اعتماد، به‌کارگیری *جوانان نخبه و اصلاح‌طلب در مناصب مدیریتی میانی کشور است.*
جوانانی که با انگیزه، انرژی و دیدگاه‌های نوآورانه خود، می‌توانند نیروی محرکه‌ای برای پیشبرد اهداف عالی کشور باشند. میدان دادن به این *نسل جوان و واگذاری مسئولیت‌های کلیدی به آنان، به معنای اعتماد به توانمندی‌های واقعی کشور است؛* اعتماد به نسلی که می‌تواند با ایده‌های تازه و رویکردهای نوین، مسیر توسعه و پیشرفت را هموار سازد.
انتظار اصلی این است که دولت دکتر پزشکیان، با درک اهمیت این موضوع، به‌ویژه در حوزه‌های مدیریتی میانی و در سطوح مدیریتی در وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها، از ظرفیت‌های بی‌نظیر جوانان بهره‌برداری کامل کند. این اقدام، نه تنها به پویایی و نشاط جامعه منجر می‌شود، بلکه الگویی موفق از اعتماد به نسل جوان و استفاده از توانمندی‌های آنان در عرصه‌های اجرایی کشور خواهد بود.
دولت می‌تواند با انتصاب جوانان در مناصب مدیریتی، موجی از امید و انگیزه را در سراسر کشور ایجاد کند و به این نسل نوپای کشور فرصت دهد تا توانمندی‌های خود را در خدمت مردم و میهن به‌کار گیرند.
در این میان، باید و باید دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز پرورش فکر و اندیشه، نقش مهمی در تربیت نسل آینده کشور دارند.
انتظار می رود که دانشگاه‌ها نیز به سمت پویایی بیشتر سوق داده شوند و فضایی ایجاد شود که در آن دانشجویان، به‌ویژه دختران ما، بتوانند با آرامش و اطمینان به رشد علمی و اجتماعی خود بپردازند. دختران جوان ما، که آینده‌سازان ایران هستند، باید در فضایی امن و عادلانه، فرصت‌هایی برابر برای رشد و شکوفایی داشته باشند.
این نسل هوشمند و پرتلاش، که همواره در مسیر ترقی و پیشرفت کشور گام برداشته‌اند، شایسته تکریم و احترام بیشتری هستند. دولت دکتر پزشکیان با سیاست‌هایی هوشمندانه و توجه به نیازها و خواسته‌های این قشر از جامعه، زمینه‌ساز حضور پررنگ‌تر و مؤثرتر آنان در تمامی عرصه‌ها باشد.
همچنین، احترام به عقاید و باورهای اقلیت‌های دینی، به عنوان یکی از اصول بنیادین هر جامعه مدنی و پیشرفته، باید مورد تأکید و توجه قرار گیرد. اقلیت‌های دینی همواره بخشی از بافت متنوع و غنی فرهنگی ایران بوده‌اند و احترام به حقوق و عقاید آنان، نشان از بلوغ اجتماعی و فرهنگی جامعه ما دارد. دولت باید با تأکید بر حقوق برابر همه شهروندان، بدون توجه به دین، مذهب یا قومیت، زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز و مشارکت فعال همه اقشار جامعه در توسعه کشور باشد.
در نهایت اما،
ما جوانان اصلاح‌طلب به عنوان حامیان دولت دکتر پزشکیان، اعلام می کنیم که همچنان به آرمان‌های این دولت پایبندیم و آمادگی داریم تا با تمام توان در جهت پیشبرد اهداف اصلاح‌طلبانه و تحقق وعده‌های دولت جدید همکاری کنیم. امیدواریم با همدلی، همکاری و استفاده از ظرفیت‌های بی‌نظیر جوانان، و با حفظ ارزش‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی، شاهد شکوفایی و توسعه پایدار کشور باشیم.
با آرزوی موفقیت و سربلندی دولت چهاردهم

زندگی آگاهانه

نشانه‌های تبدیل شما به بهترین خود

حسین زیرراهی–مدرس مهارتهای توسعه فردی



۱.خوداندیشی. یکی از نشانه‌های رشد فردی توانایی تفکر عمیق در مورد خود است. یعنی به صورت منظم به افکار، احساسات و اعمال خود بنگرید تا بهتر درک کنید چه کسی هستید. خوداندیشی کمک می کند خودآگاه‌تر شوید که برای رشد فردی حیاتی است.
۲.پیگیری اهداف معنی‌دار. انتخاب اهداف معنی‌دار و گام برداشتن در جهت آن‌ها نشان می‌دهد شما بر بهبود خود متمرکز هستید. پژوهش‌های فراوانی نشان داده‌اند هدف‌گذاری منجر به انگیزه بالاتر، عملکرد بهتر و رضایت بیشتر از زندگی می‌شود. با انتخاب جنبه‌هایی از زندگی برای بهتر شدن، شکستن اهداف بزرگ به گام‌های کوچک و بررسی منظم پیشرفت خود می‌توانید با انگیزه بمانید و در سفر رشد شخصی خود موفق شوید.
۳.تاب‌آوری در مشکلات. تاب‌آوری توانایی بهبود بعد از دوران سخت و هماهنگ شدن با تغییرات است. مطالعات نشان می‌دهد افراد با تاب‌آوری بالا استرس را بهتر تحمل می‌کنند، بر چالش‌ها غلبه می‌کنند و مثبت‌نگر می‌مانند. می‌توانید تاب‌آوری را با گفتگوی مثبت با خود، نگاه کردن متفاوت به شرایط سخت و یادگیری از تجربیات گذشته در خود پرورش دهید.
۴. در اولویت قرار دادن سلامت ذهنی. مراقبت از بدن و ذهن برای رشد فردی حیاتی است. افرادی که بر مراقبت از خود تمرکز دارند استرس کمتر و احساس بهتری دارند و به صورت کلی سالم‌ترند. برای مراقبت از خود باید خواب کافی، ورزش منظم و تمرینات ذهن‌آگاهی یا مراقبه داشته باشید.
۵. داشتن طرز فکر رشد. داشتن طرز فکر رشد نشانه‌ای قوی از توسعه فردی است. افراد با طرز فکر رشد معتقدند می‌توانند مهارت‌ها و هوش‌شان را با سخت‌کوشی و یادگیری بهبود دهند. با نگاه کردن به چالش‌ها به عنوان فرصت یادگیری، استفاده از واژه «هنوز» هنگام روبرو شدن با مشکلات مانند هنوز نمی‌توانم بجای نمی‌توانم یا هنوز بلد نیستم به جای بلد نیستم و جشن گرفتن تلاش‌ها و پیشرفت خود می‌توانید طرز فکر رشد را در خود ایجاد کنید.
۶.خود شفقتی. خودشفقتی به معنی با خود مهربان بودن و درک خود مخصوصا در شرایط سخت است. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که خودشفقتی را تمرین می‌کنند کمتر احساس اضطراب و افسردگی می‌کنند و از زندگی رضایت بیشتری دارند. اگر همان‌گونه که با یک دوست رفتار می‌کنید با خود رفتار کنید قبول می‌کنید که هرکس نقص دارد. ۷.روابط مثبت. ایجاد و نگهداری روابط سالم نشانه‌ای کلیدی از رشد فردی است. ارتباطات اجتماعی قوی منجر به سلامت بهتر، شادی و عمر بیشتر می‌شود. برای ساختن روابط مثبت گوش کردن فعالانه را تمرین کنید، همدلی و شفقت از خود نشان دهید و برای نگهداری ارتباطات معنی دار تلاش کنید.
۸. هم‌راستایی با ارزش‌ها. زیستن بر اساس ارزش‌های محوری نشانه‌ای قوی است که دارید بهترین خود می‌شوید. وقتی اعمال شما با عقایدتان هم‌راستا است احساس اعتبار بیشتری می کنید و از زندگی رضایت بیشتری دارید. با تفکر عمیق در مورد ارزشهای محوریتان آن‌ها را مشخص کنید. بر اساس آن ارزش‌ها دست به انتخاب بزنید و مرتب ببینید اعمال‌تان در راستای عقایدتان قرار دارد یا خیر.
ترجمه از وبسایت timesnownews.com

رویکرد تئوری بازی برای همکاری‌های اقتصادی و توسعه پایدار:

بهینه سازی میدان پارس جنوبی - گنبد شمالی بین ایران و قطر

عبدالحمید بنچاری- کارشناس ارشد روابط‌عمومی در حوزه نفت و انرژی.



مقدمه؛ مقوله انرژی به‌ویژه منابع نفت و گاز، نقش اساسی در اقتصاد جوامع صنعتی و کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. در این میان، کشورهای دارنده این منابع، از این فرصت به‌مثابه ابزاری برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه پایدار بهره می‌برند. میدان‌های نفت و گاز مشترک، به‌عنوان بخشی از منابع طبیعی، تأثیر مستقیم و عمیقی بر روابط دیپلماتیک کشورها دارند. این میدان‌ها، علاوه بر ایجاد منابع درآمدی، بستری برای تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک میان کشورها هستند که در نهایت باعث توسعه و ثبات منطقه‌ای می‌شوند.

از مهم‌ترین میدان‌های گازی جهان، میدان مشترک پارس جنوبی- حوزه شمالی می‌باشد که در مرزهای دریایی ایران و قطر واقع شده است. این میدان عظیم گازی که ۷۵ درصد آن در قلمرو کشور قطر و ۲۵ درصد آن در قلمرو کشور ایران قرار دارد، نقشی بسزا و کلیدی در تامین انرژی جهان ایفا می‌کند. بهره‌برداری مشترک از این میدان نیازمند همکاری‌های پیچیده اقتصادی و سیاسی است. این مقاله به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حوزه بهره‌برداری از این میدان و نقش تئوری بازی در مدیریت این منابع مشترک می‌پردازد. علاوه بر این، اهمیت همکاری منطقه‌ای در دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تحلیل میدان گازی پارس جنوبی و حوزه شمالی؛

میدان گازی پارس جنوبی و حوزه شمالی آن که در مرزهای دریایی ایران و قطر در خلیج فارس واقع شده، اکنون به عنوان بزرگترین میدان گازی جهان به شمار می‌رود. این میدان مشترک با مساحتی بالغ بر ۹،۷۰۰ کیلومتر مربع، ۴۰ درصد از ذخایر گازی شناخته‌شده جهان را در خود جای داده است. قطر صاحب ۷۵ درصد این میدان بوده و ایران مالک ۲۵ درصد دیگر آن است. توزیع نابرابر سهم، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی مانند تحریم‌ها، بهره‌برداری بهینه از این میدان را پیچیده‌تر کرده است.

میدان پارس جنوبی برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حدود ۴۰ درصد از کل تولید گاز طبیعی کشور از این میدان استحصال می‌شود و بخش بزرگی از درآمدهای نفتی و گازی کشور به این میدان وابسته است. در مقابل، قطر به‌دلیل سهم بیشتری که از این میدان دارد، این امکان را داشته تا از ذخایر عظیم گازی به نفع خود بهره‌برداری کند و آن را به یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی و توسعه اقتصادی برای خود تبدیل نماید.

با توجه به مشترک بودن این میدان، هر گونه تأخیر یا نقص در بهره‌برداری از طرف ایران می‌تواند منجر به استخراج بیشتری از سوی قطر شود که در بلندمدت سهم ایران را از این منابع استراتژیک کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، قطر با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و پیشرفته و همچنین روابط بین‌المللی قوی‌تر، قادر بوده تا بهره‌وری خود را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

اهمیت این میدان از منظر ژئوپلیتیکی نیز شایان توجه است؛ چرا که نه تنها تأثیر مستقیمی بر درآمدهای ارزی دو کشور دارد، بلکه به عنوان عاملی اساسی برای تقویت یا تضعیف روابط دیپلماتیک بین دو کشور عمل می‌کند. بهره‌برداری مشترک و همکاری‌های مؤثر در این زمینه، نقشی حیاتی را در جلوگیری از بروز تنش‌های احتمالی و تضمین توسعه پایدار منابع انرژی در منطقه خواهد داشت.

چالش‌ها و فرصت‌های بهره‌برداری مشترک؛

بهره‌برداری از میدان گازی پارس جنوبی/حوزه شمالی با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی برای ایران و قطر همراه است. مهم‌ترین این چالش در این میدان برای ایران اعمال تحریم‌های بین‌المللی است. همین موضوع ایران را از دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و همکاری با شرکت‌های بزرگ انرژی جهان محدود کرده است. این تحریم‌ها باعث افزایش هزینه‌های استخراج و کاهش بهره‌وری در مقایسه با قطر شده است. به عنوان مثال، هزینه استخراج یک بشکه نفت برای ایران حدود ۱،۵ تا ۲ برابر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است که به دلیل تحریم‌های بین المللی و استفاده از فناوری‌های ضعیف‌تر رخ داده است.



یکی دیگر از چالش‌های بزرگ برای ایران، شیب ۲۰ درصدی میدان پارس جنوبی به سمت قطر است که باعث می‌شود در صورت عدم استخراج به موقع، قطر بتواند سهم بیشتری از منابع گازی را به دست آورد. علاوه بر این، قطر با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و جدید و مدیریت کارآمد، توانسته است بهره‌برداری از این میدان را به حداکثر برساند، در حالی که ایران به دلیل موانع مذکور با مشکلاتی در افزایش بهره‌برداری مواجه است.

اما در کنار این چالش‌ها، فرصت‌های مهمی نیز برای همکاری وجود دارد. همکاری ایران و قطر در بهره‌برداری مشترک این امکان را به هر دو کشور سهیم در این میدان می‌دهد تا به افزایش بهره‌برداری و جلوگیری از رقابت‌های ناپایدار اقدام ورزند. با تنظیم یک چارچوب قانونی و توافقات سیاسی مناسب، هر دو کشور قادرند از این منابع به نحو مطلوب‌تری بهره‌برداری کنند. همکاری در این حوزه نه تنها به افزایش درآمدهای ارزی کمک می‌کند، بلکه به تثبیت صلح و امنیت منطقه‌ای نیز منجر خواهد شد.

بنابراین، استفاده از فرصت‌های موجود در همکاری‌های منطقه‌ای و تدوین استراتژی‌های مشترک، مسیری مطمئن برای کاهش چالش‌های موجود می‌باشد تا توسعه پایدار و بهینه‌سازی بهره‌برداری از این میدان با شتاب بیشتری انجام پذیرد.

نقش تئوری بازی در مدیریت منابع مشترک؛

تئوری بازی به عنوان ابزاری علمی و راهگشا برای تحلیل و حل تعارضات بین کشورها در بهره‌برداری از منابع مشترک شناخته می‌شود. این تئوری با استفاده از مدل‌های ریاضی، رفتار استراتژیک بازیگران منطقه‌ای را در موقعیت‌هایی که منافع آن‌ها با یکدیگر در تضاد است، بررسی می‌کند. در زمینه بهره‌برداری از میدان گازی پارس جنوبی/ حوزه شمالی، نقش تئوری بازی به عنوان ابزاری برای تعیین استراتژی‌های بهینه برای ایران و قطر بر روی نحوه مدیریت این منبع حائزاهمیت است.

یکی از مسائل مهم در بهره‌برداری از منابع مشترک، نحوه تقسیم عادلانه منابع است. هر کشور تلاش می‌کند تا سهم بیشتری از منابع را به دست آورد که این امر ممکن است منجر به رقابتی ناسالم و بهره‌برداری ناپایدار شود. بهره‌گیری از تئوری بازی این توانایی را به کشورها می‌دهد تا با در نظر گرفتن استراتژی‌های بهینه، به اهدافی همچون همکاری برای بهره‌برداری پایدار و حفظ منافع مشترک دست یابند.

سه عامل کلیدی در مدل‌سازی بهره‌برداری از میدان پارس جنوبی تاثیرگذار هستند: سهم هر کشور از منابع مشترک، توانایی استخراج (که به تحریم‌ها وابسته است) و هزینه‌های استخراج. این عوامل در تئوری بازی به عنوان ورودی‌های اصلی در مدل‌سازی استفاده می‌شوند. نتایج این مدل‌ها نشان می‌دهند که میزان استخراج هر کشور وابسته به سهم آن از منابع و همچنین شدت تحریم‌ها علیه آن کشور بستگی دارد. در صورت اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران، این کشور با کاهش توانایی استخراج و افزایش هزینه‌ها مواجه می‌شود که این امر بهره‌برداری ایران را به شدت کاهش می‌دهد.

در مجموع، تئوری بازی با ارائه مدل‌های دقیق و مبتنی بر داده‌های واقعی، یاری‌گر کشورهایی از این دست است تا با همکاری بیشتر و انتخاب استراتژی‌های بهینه، از منابع مشترک به طور پایدار بهره‌برداری کنند و در عین حال از بروز تنش‌های احتمالی جلوگیری کنند.

توسعه پایدار و همکاری منطقه‌ای؛

توسعه پایدار به معنای مدیریت صحیح و بهره‌برداری مسئولانه از منابع طبیعی تلقی می‌شود، به گونه‌ای که نه تنها نیازهای نسل کنونی را برآورده کند؛ بلکه امکانات و منابع کافی برای نسل‌های آینده نیز حفظ شود. در این راستا، بهره‌برداری از منابع مشترک، مانند میدان گازی پارس جنوبی/ حوزه شمالی، باید با همکاری نزدیک کشورهای بهره‌بردار و با در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار سازمان ملل انجام شود.

با این حال نفت و گاز استخراج شده توسط قطر با قیمت جهانی به سایر نقاط جهان صادر می شود، در حالی که نفت و گاز استخراج شده توسط ایران برای مصرف داخلی استفاده می شود. بخشی از این مصرف برای تامین گاز خانگی و مابقی برای مصارف صنعتی از جمله بهره‌برداری کارخانجات است. با فرض این‌که قیمت فروش گاز طبیعی به ازای هر Mmbtu ۱۰ دلار در نظرگرفته شود و هزینه استخراج هر واحد گاز برای ایران و قطر به ترتیب ۲ دلار و ۱ دلار باشد، در صورت عدم تحریم هر دو کشور، سود ایران برای هر واحد گاز استخراج شده ۲ دلار و سود قطر ۶،۷۵ دلار خواهد بود. واضح است که با افزایش تحریم ها علیه ایران، سود ایران کاهش می یابد و در مقابل سود این کشور عربی افزایش می یابد. دلیل افزایش سود قطر این است که افزایش سطح تحریم ها علیه ایران باعث افزایش ظرفیت استخراج قطر و در نتیجه افزایش سود آن کشور می شود.

یکی از اصول کلیدی در توسعه پایدار، همکاری منطقه‌ای میان کشورها برای بهینه‌سازی استفاده از منابع مشترک است. در مورد میدان گازی مشترک بین ایران و قطر، همکاری‌های موثر بین دو کشور منجر به جلوگیری از رقابت‌های ناسالم، کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی و افزایش بهره‌وری اقتصادی می‌شود. این همکاری‌ها همچنین به عنوان الگویی جامع برای سایر کشورهای منطقه خلیج‌فارس که دارای منابع مشترک مشابه هستند مطرح خواهد بود.

بر اساس اهداف توسعه پایدار سازمان ملل، به‌ویژه اهداف ۸، ۱۳ و ۱۶، که به ترتیب بر رشد اقتصادی، مقابله با تغییرات اقلیمی، و ترویج صلح و عدالت جهانی تمرکز دارند، همکاری ایران و قطر در بهره‌برداری پایدار از میدان گازی پارس‌جنوبی گامی مهم در مسیر دستیابی به این اهداف در نظر گرفته می‌شود. این همکاری نه تنها به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت روابط دیپلماتیک و کاهش تنش‌های سیاسی میان دو کشور خواهد شد.

همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه بهره‌برداری از منابع مشترک، علاوه بر افزایش منافع اقتصادی، تقویت امنیت انرژی و پایداری توسعه را در منطقه رقم خواهد زد. از این رو، ایجاد چارچوب‌های حقوقی و توافقات سیاسی برای مدیریت مشترک این منابع، به عنوان یکی از راهکارهای اساسی برای دستیابی به توسعه پایدار و تضمین صلح و ثبات منطقه‌ای تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها؛

بهره‌برداری مشترک از میدان گازی پارس جنوبی/ حوزه شمالی بین ایران و قطر، فرصتی شگرف و بی‌نظیر برای دو کشور را فراهم می‌کند تا از این منبع عظیم گاز طبیعی بهره‌برداری کنند. این میدان، علاوه بر تأمین نیازهای انرژی داخلی، به عنوان یکی از منابع کلیدی درآمد ارزی برای هر دو کشور نیز شناخته می‌شود. با این حال، چالش‌هایی همچون تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و نابرابری میزان سهم هر کشور از میدان، بهره‌برداری بهینه از این منبع را پیچیده‌تر کرده است.

برای مقابله با این چالش‌ها و بهره‌برداری پایدار، همکاری‌های منطقه‌ای و استفاده از مدل‌های تئوری بازی می‌تواند راهگشا باشد. ایران و قطر با تدوین استراتژی‌های مشترک و استفاده از فناوری‌های نوین، نه تنها به حداکثر بهره‌برداری از این میدان دست می‌یابند، بلکه از بروز تنش‌های احتمالی جلوگیری می‌کنند.

توصیه می‌شود که ایران و قطر با ایجاد یک چارچوب حقوقی جامع و شفاف، همکاری‌های خود را در زمینه مدیریت منابع مشترک گسترش دهند. همچنین استفاده از فناوری‌های پیشرفته و کاهش وابستگی به منابع خارجی، به ایران این توانمندی را خواهد داد تا با چالش‌های پیش‌رو مقابله کرده و سهم خود را در این میدان استراتژیک حفظ کند. این همکاری‌ها علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، تقویت صلح و ثبات در منطقه را در پی خواهد داشت.

برگرفته از مقاله:
Mamipour, S., Sobhanian, M. H., Salimian, S.,

نشست ادبی فرهنگسرای چاکوتاهی (آتشی)



چهل و هفتمین نشست ادبی فرهنگسرای شیخ حسین چاکوتاهی در کافه شعر برگزار شد.
نشست ادبی فرهنگسرای شیخ حسن چاکوتاهی هر سه‌شنبه شبها ساعت ۲۱ در این فرهنگسرا برگزار می گردد.
در این نشست در بخش اول کتاب گلستان سعدی باب یکم حکایت نهم خوانده و تفسیر شد و در بخش داستان کوتاه داستان قفس از نویسنده سرشناس ایران و بوشهر صادق چوبک توسط حاضرین خوانده شد.
در بخش ویژه حاضران :
در آغاز جناب استاد فرج‌زاده، که مهمان نشست ما از تهران بودند و ما را سرافراز کردند، درباره‌ی ترجمه‌ی فارسی خودشان از کتاب «تنها یک نفر» (با عنوان اصلی رانینگ (Running)) که درباره‌ی زندگی امیل زاتوپک نوشته شده است، توضیح دادند و چکیده‌ای گفتند و تفاسیری داشتند از کتاب شلوارهای وصله‌دار رسول پرویزی.
در ادامه این نشست، وجدان شعری را با سرآغاز «سلام مادر! از هر روزی گریزم باز می گردم...» از خودشان خواندند. آزادمهر «آهنگ دیگر» زنده‌یاد منوچهر آتشی را خواندند. ستاره خسروی شعری از حامد عسکری با سرآغاز «مثل چایی که می‌چسبد به سرما...» را ارائه دادند.
سید محمدامین فرهی داستانکی به نام «تنها» با سرآغاز «دخترک با بوت سیاه بنددار...» را از خود خواندند که در خصوص دو شخصیت برون گرا و درون گرا در جامعه امروزی بود.
کنعانی‌طریق، «باغ من» (آسمان را گرفته تنگ در آغوش...) از اخوان را تقدیم نشست کردند.
عادل مهیمنی شعری از خود را با سرآغاز «در شب پرخبر رغبت خواب نبود...» هدیه دادند.
علی موسوی هم چهارپاره‌ی «در امواج سند» (به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید...) از زنده‌یاد استاد دکتر حمیدی شیرازی را خواندند.
در بخش معرفی کتاب؛ کتاب هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی، از حسن میرعابدینی، نشر کتاب خورشید (شناسنده: آقای مهیمنی)، کتاب خاطرات بزرگ علوی از انتشارات نگاه (شناسنده: استاد فرج‌زاده) و کتاب صد غزل انتقادی از حافظ، از هیوا مسیح، نشر مثلث (شناسنده: آقای موسوی) معرفی شد.
دبیر نشست: علی موسوی امامزاده‌ای.

مستند هنرمند بوشهری در مسیر جشنواره انگلستان

معاون هنری و امور سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: مستند «آخرین کوسه نهنگ» ساخته رامتین بالف هنرمند بوشهری، به چهلمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «واید اسکرین» در کشور انگلستان راه یافت.
وی بیان کرد: مستند «آخرین کوسه نهنگ» تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی برنده جایزه بهترین موسیقی و بهترین تصویربرداری از هفدهمین جشنواره مستند «سینما حقیقت» شده است.

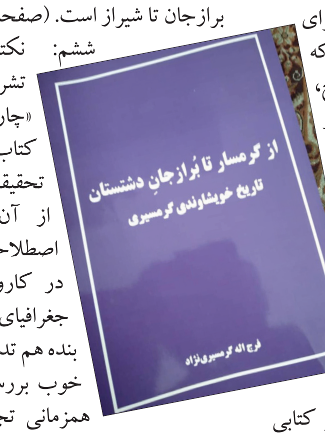
نقد و بررسی کتاب ارزشمند «از گرمسار تا برازجان دشتستان؛ تاریخ خویشاوندی گرمسیری»

بررسی علمی پنج عامل شخصیت انسانی در طایفه گرمسیری

عبدالحسین کنین



کتاب «از گرمسار تا برازجان» که به همت و تلاش ارزشمند آقای فرج‌اله گرمسیری نژاد در ۱۳۱ صفحه با پیوست ها و منابع آن در ۱۵۰ صفحه نگارش شده است، در سال ۱۴۰۲ به وسیله‌ای انتشارات «ستاره‌ی جنوب بوشهر» چاپ و توزیع شده و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار گرفته، در دل خود به نوعی آموزش روش تحقیق است آن هم به صورت ساده و روان که برای خواننده مخصوصاً جوانان و دانشجویانی که علاقه به پژوهش در حوزه‌ی جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم شناسی و ... دارند، بسیار مفید و راه‌گشاست.



صاحب این قلم که خود کتاب‌هایی در زمینه‌های مخالف جغرافیای و زمین شناختی تألیف نموده است، به درخواست دوست عزیزم جناب استاد رزمپا، بر آن شدم تا کتاب «تاریخ خویشاوندی گرمسیری» را نقد و بررسی نمایم؛ امیدوارم که مفید فایده افتد.
به هرحال به جرأت می توان گفت کمتر کتابی می‌توان یافت که برای بررسی یک موضوع (بررسی یک طایفه) این‌قدر عالمانه با بهره گیری از روش‌های تحقیق، تمام زوایای تاریخی، جغرافیایی، مردم شناختی، اقتصادی، زندگی عشایری (کوچ نشینی) و اصطلاحات مربوط به آن؛ به این زیبایی به موضوع پرداخته باشد. بیشتر کار تحقیقی این کتاب از روش مصاحبه‌ای و میدانی و برخی هم از روش کتابخانه ای استفاده شده که هر کدام در جای خود قابل تقدیر است. اما چند نکته به نظرم رسید که به استحضار می‌رسانم:
اول: عنوان کتاب و هوشمندی نویسنده؛ این‌که نوشته اند: «از گرمسار تا برازجان دشتستان». شاید برخی از خوانندگان اطلاع نداشته باشند که بنا بر نوشته پرفسور خیر اندیش، چند برازجان دیگر هم وجود دارد به همین جهت تأکید نویسنده بر برازجان مرکز دشتستان است.
دوم: این نکته برای خودم خیلی ارزش داشت و سال‌ها به دنبال آن بودم؛ این که وقتی به دستور «نادر شاه افشار» تعدادی سازنده ی کشتی به نام «گراف» از هند به بوشهر آوردند و کارگاهی به سرپرستی «جان آلتون» انگلیسی تأسیس کردند، چگونه با این مسافت طولانی چوب‌ها را از مازندران به بوشهر و به وسیله چه کسانی حمل می نمایند، این کتاب برایم روشن کرد. (صفحات ۲۷ تا ۳۴ تحت عنوان اصلی «فرضیه سبب شناختی مهاجرت گرمسیری‌ها»)
سوم: نکته بسیار جالب دیگر در رابطه با نام (گرمسیری) است. بر خلاف آن چه ابتدا به ذهن متبادر می شود، نویسنده کتاب روشن کرده است که نام آن ها نه برگرفته از نام خاستگاهشان (که در ۱۳۱۹ شمسی از «خوار ری» به گرمسار تغییر یافته بوده) بلکه از منطقه‌ای که به آن جا رفت و آمد متعدد کاری داشته اند یعنی گرمسیرات فارس برگرفته شده است؛ و از طریق فرضیه قبلی در این مورد را که مرحوم استاد فراشبندی، در کتاب «تاریخ و جغرافیای برازجان» مطرح کرده بودند، با متانت علمی رد کرده است. (صفحات ۳۸ تا ۴۰ تحت عنوان اصلی «فرضیه ی نام‌گذاری خویشاوندی گرمسیری»)
چهارم: بعید به نظر می‌رسد نویسنده در شهر گرمسار تحقیق میدانی کرده باشد زیرا به علت گذر زمان طولانی و حوادثِ مختلف و بُعد مسافت، ارتباطات قومی احتمالاً قطع شده و در کتاب هم به آن پرداخته نشده، البته در قسمت سخنی با خواننده و نیز پاورقی صفحه ی ۱۲۳ نویسنده بیان کرده که تمرکز مطالعاتی این کتاب بر خویشاوندی گرمسیری در جامعه برازجان بوده است.
پنجم: نکته‌ی بسیار جالب بعدی استفاده نویسنده از نقشه به عنوان ابزار تحقیق در مسیر راه بوشهر، برازجان تا گرمسار و بعدتر نقشه راه مسیر بوشهر، برازجان تا شیراز است. (صفحات ۳۰و ۶۸)
ششم: نکته‌ی مهم بعدی تشریح کامل مفهوم «چاروداری» در کتاب است که غالباً در تحقیقات با سهل انگاری از آن عبور می کنند. اصطلاحات چاروداری در کاروان تجاری که در جغرافیای عشایری که خود بنده هم تدریس می کردم بسیار خوب بررسی شده؛ مخصوصاً همزمانی تجارت در گذشته با بعضی حوادث تاریخی و درگیری های بین راهی و منطقه‌ای که کار تجاری را مختل می کرد. (فصل سوم تحت عنوان «چاروداری؛ چهار پادری، تعاریف و تمایزات»)
هفتم: نکته‌ی جالب دیگر این نویسنده در بیان علت ترجیح برازجان بر بندر بوشهر برای استقرار مهاجرینی که از داخله ای ایران به جنوب فارس می‌آمدند، در کنار عللی که همیشه مطرح می‌شده یعنی ویژگی جغرافیایی و مواصلاتی برازجان، از منظر علوم ارتباطات انسانی و روانشناسی اجتماعی نیز موضوع جالبی را مطرح کرده است. (صفحات ۳۶ و ۳۷ تحت عنوان فرعی «ویژگی سیاسی و فرهنگی برازجان»)
هشتم: نکته مهم دیگر این است که برخلاف شیوه مرسوم نقل قول کردن از آگاهان محلی و سالخوردگان در تحقیقات، نویسنده ی آن روایتگر محلی را (کربلایی غلامحسین) که از او نقل قول آورده ابتدا از نظر توان روایت کردن و صحت حافظه اثبات کرده است و فقط سالخورده تر بودن نسبت به دیگران را جواز نقل کردن از او ندانسته؛ البته به نظر می‌رسد جای عکس ایشان در کتاب خالی است. (صفحات ۲۲ تا ۲۶ تحت عنوان اصلی «خاستگاه گرمسیری ها»)
نهم: بررسی جالب تبار نامه گرمسیری ها و پیوند این طایفه با دیگر طوایف برازجان و دیگر نقاط کشور. (فصول هفتم و هشتم)
دهم: و اما یکی از جالب‌ترین قسمت‌های کتاب بررسی علمی پنج عامل شخصیت انسانی در طایفه گرمسیری است چرا که توصیف افراد و گروه‌ها در تحقیقات معمولاً با سهل انگاری و سلیقه‌ای انجام می شود و بررسی ۳۲۰ نفر (جامعه آماری) در سنین مختلف ار این طایفه با استفاده از ابزار پرسشنامه ی استاندارد روانشناسی کار بسیار ارزشمندی است. (فصل ششم تحت عنوان «منش گروهی؛ گزارش روانشناختی»)

آتش عشق

عبدالمجید زنگویی

خانه‌ی دل را برای دوست برپا می‌کنم
نور مهر و آتش عشق آشکارا می‌کنم
گربرافروزد فروغ مهر برخوان دلم
باغ رویای دلم را پیش او وا می‌کنم
تابه شیراز غزل‌هایم نشیند عشق و شور
نکته نکته راز دل تفسیر و معنا می‌کنم
عشق اگر آید به دریای پریشان دلم
خویشتن را با زبان شعر برنا می‌کنم
گرنشیند مهر شیرین بر گلستان دلم
می‌شوم فرهاد و داغ دل مداوا می‌کنم
گر مرا روزی نصیب افتد هوای مهر دوست
یوسف شعرم مزین با زلیخا می‌کنم
شربت شعرم که نوش جان یاران می‌شود
با پیام مهرورزی‌ها گوارا می‌کنم
از نمای شرق دل خورشید جان تا سرزند
بامداد مهرورزی را تماشا می‌کنم
در هوای سرخوشی تا چند بنشینم خموش
روزی آخر آتش عشقم هویدا می‌کنم

*

پرویز انبارکی

چشم جهان

بر چشم جهان نشست ماهی که پرید
چون تیر دلم کشید آهی که پرید
مژگان فلک سرمه‌ی باران می‌خورد
سیلاب گرفت در نگاهی که پرید

چار کوبه

وقتی گذر طی شده بی ربط نمود
بی راه و روش گذاره را خبط نمود
پروا دو سه چار سال بی وقفه نشست
تا شیوه‌ی چار کوبه را ثبت نمود

خورشید

ای دوست. چه عاشقانه دل می بردی
خورشید به خوان آب و گل می بردی
هر بار که لبخند تو می‌برد مرا
با ناز دو چشم مشتعل می بردی

گرد زندگی

با مهره‌ی نرد زندگی رقصیدیم
در چاله‌ی سرد زندگی رقصیدیم
دردیم میان موج خون با مهتاب
عریان به نبرد زندگی رقصیدیم

*

علی حسین جعفری(بیدل)

(۱)
مِه...
همچون دزدی
شهر را در کیفِ پنبه‌یی‌اش گذاشت
و از چشمم پنهان شد!

(۲)
این گُل...
چندان هم «بی منت باران» نیست!
سلامِ باران را
پیش از ما
از پشتِ کوه شنیده است.

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و پیشکسوت فوتبال تهران و بوشهر(۳)

چرا به جای شاهین، در ایرانجوان بوشهر بازی کردم

دعوت ناگهانی برای بازی در ایرانجوان

من بازیکن اسبق خانواده تاج بودم واز زیرمجموعه آن دیهیم آغاز کردم و در سال ۱۳۴۶ به عنوان جوانترین بازیکن تیم تاج همراه دوست عزیز وبازیکن ملی و با تکنیک آقامهدی حاج محمد در پست گوش راست و گوش چپ تیم تاج بازی کردیم و زمانی که بوشهر آمدم بعد از مدتی به دنبال تیم تاج بوشهر بودم و سپس در زمین های خاکی محله باغ زهرا و محله ترک‌های سنگی و امامزاده برای حفظ و آمادگی جسمانی بازی و تمرین کردیم و یکی از آن روزها بعد از تمرین فشرده و خسته و بی‌حال در راه رفتن به گرمابه شهرداری بودم که عده ای جلوی باشگاه تیم ایرانجوان جلوی ما را سد کردند و شروع کردن به حرف زدن و پرسیدن و شوخی کردن، من هم با متانت و آرامش جواب آنها را می‌دادم، در بین آنها چند جوان بودن که شاید سن و سال‌شان نهایت ده تا دوازده سال میرسید و خیلی خیلی بامزه و خوش تیپ بود، بالهجه شیرین بوشهری غلیظ به من گفت عامو میای سی تیم ما بازی کنی؟ من که درست متوجه نشده بودم و فقط بازی را خوب متوجه شدم وکلمه تیم بهش گفتم مگه تو هم تیم داری؟ مجدد با لهجه شیرین خود گفت ها عامو تیم ما ایرانجوانه، سی کن سی کن اینجا باشگاهمون است و من حقیقت ایستادم و دیدم تعدادشان یک دفعه از چند نفر به ده ها نفر رسید و ناگهان در بین شان، مردان بزرگ و باکلاس و خوش تیپ و بسیار محترم، و چند نفری دور من جمع شدند و یک آقایی خوشرو و با وقار بسیار با ادب گفت شما می آیید در تیم ما بازی کنید؟ من تا آمدم جواب بدهم دیدم یک بزرگوار از اداره سپاه بهداشت و یک داش مشتی و خوش چهره که انگار چندین و چند سال است که ما را می‌شناسد از طرف ما گفت «ها عمو چرا نمیاد؟ فردا سی خودمون بازی می کنه»، من مات و مبهوت مانده بودم. خدایا چه مردمان خوش قلب و ساده و خونگرمی، روکردم به آشنایی که نامش حیدر خان اردشیری بود، چون ایشان را در سپاه بهداشت قسمت ترابری دیده بودم، بسیار خوشرو و خوش خنده سیمایی بود با چشمانی روشن و انبوهی از مو و بسیار با اخلاق و گفتم «آقا حیدر ببخشید اینا چی میگن؟ حقیقت من شوک شدم، از کجا ما را می‌شناسند و اصلا چگونه ندیده و نشناخته از من دعوت می کنند؟»

ناگهان گفتند ما بازی شما را دیدیم و مورد تأیید هستید و پسند کردیم و خوشحال می‌شویم که قبول کنید در تیم ایرانجوان بازی کنید. من هم خیلی آسوده خاطر شدم و کمی آرام گرفتم و به اطراف نگاهی انداختم که دیدم تعداد نفرات زیاد شدند و چند نفری دارند مرا نشان می‌دهند و از بازی من تعریف می‌کنند. یهویی بدون هیچ مقدمه‌ای گفتم «از کجا میدونی من سرعتی هستم و دریبل زن؟» که جناب هوشنگ خان میرزایی یک نشان از حرکت نمایشی مرا تعریف کرد و خداوکیلی من هنوز گنگ و گیج بودم، و مجدد گفتم «کی و چه موقع و کجا؟» که یک جوان شانزده هفده ساله با قدی کشیده و یک‌نفر دیگر که اصلا به ورزش فوتبال نمی‌خورد گفت: «ما روی دیوار بازی شما را وقتی با تیم تابان بازی می کردی، دیدیم و خیلی خوش‌مان آمد» و خلاصه اسم چند نفری از تیم تابان را هم آورد و گویی خبرچین و یا جاسوسی می‌کردند و اطلاعات تیم حریف را جمع و جور می‌کردند. خلاصه ما هم که دقایقی را اینگونه سپری کردیم و بدن‌مان خیس عرق بود و درحال سرد شدن، اجازه خواستم که برم گرمابه تا بعد، این‌بار سه نفر دیگه که یک نفرشان عینکی بود و خیلی متشخص و شمرده و قشنگ حرف می‌زد با آقای هوشنگ میرزایی و آقای اردشیری محکم و جدی خواستند از ما پاسخ نهایی را بگیرند که من گفتم «شرمنده ببخشید من چند سال فوتبال بازی کردم ولی هرگز بدون تمرین با تیمی و آشنا شدن و هماهنگ شدن بازی نکردم، اجازه بدید من بعد از مسابقه‌تان در روز تمرین با تیم شما حاضر شوم» که ناگهان آن مرد مشتی و لوطی بی تعارف گفت: «عامو فردا بایست سی تیم ما بازی کنی، ما با یک تیم تهرونی همشهری‌های خوت بازی داریم بعد میای تمرین.»

خدا گواه است تا اسم تیم تهرونی آمد من تکانی خوردم و قلبم نزدیک بود بایستد و ذوق زده و مشتاق گفتم «تیم تهرونی؟» از آن جوانمرد لوطی و داش مشتی شنیدم گفت «ها عامو تیم همای تهرون، چند ملی پوش داره به تیم تابان هم چهارتا زده». من هول شده بودم و تند تند می‌پرسیدم: «راست می‌گید، همان همای پرویز خان دهداری؟» اینبار ده‌ها نفر پاسخ دادن و گفتن بله و نام چند نفر از بازیکنان ملی پوش هما را هم آوردند، من خیلی خیلی خوشحال شدم، چون بعد از مدت‌ها گویی خانواده خودم رفیق‌ها و دوستان را می‌بینم، چون دوری از خانواده و طولانی شدن آن تا حدودی روحیه‌مان را ضعیف کرده بود و غربت خیلی خیلی سخت می‌گذشت به ویژه که هنوز مسکن هم اختیار نکرده بودیم. خلاصه بزرگان تیم ایرانجوان متوجه تغییر روحیه ما و خوشحال‌مان شدند و با احساس و هیجان ما متوجه جواب شدند و من تنها حرفی که زدم گفتم «نه تمرین کردیم و نه بازیکنان تیم ایرانجوان را دیدیم» که در همین زمان جناب هوشنگ خان میرزایی گفتند «باکی نیست فردا باهمدیگر آشنا می‌شوید» و از ما قول گرفتند و قرار و ساعت بازی را گوشزد کردند و زمان خداحافظی جناب اردشیری گفت «خودم فردا با ماشین میام دنبال شما». من هم تشکر کردم و به اتفاق واهیک مینابیان رفتیم گرمابه شهرداری.

تا قبل از بازی فقط دلشوره و دلهره داشتم که آیا مرا می‌پسندند و یا من می‌توانم به تیم‌شان کمک کنم و استرس و دلشوره داشتم که آیا از این فرصت می‌توانم به نحو احسنت استفاده کنم و سرافراز شویم و یا شرمنده خواهیم شد.

چرا به شاهین بوشهر نرفتم

حقیقت پس از نیم قرن از خاطرات ورزشیم در شهر عزیز بوشهر، پرسش‌هایی در محافل و در بازار و خیابان می‌شود و این‌که چرا جذب شاهین بوشهر نشدید، آیا درست است که شما شب ملاقات با کادر فنی تابان (شاهین) بوشهر، از آن‌ها درخواست کار و مسکن کردید؟ و حتی چیزهای دیگه برای برطرف کردن نیازهای خودتان؟ من برخود وظیفه می‌دانم برای رفع ابهام و پاسخ درست و حقیقی را بازگو کنم.

در آن سال متأسفانه با این که تیم شاهین بوشهری از هر حیث خوب وقوی وپر مهره بود، و خیلی خیلی هم زیبا و پرقدرت بازی میکرد در یک غافلگیری نتیجه را ۴ بر صفر به همای تهران واگذار کرد، تا آن‌جا که طرفداران شاهین شوک شدن و عصبانی، واقعیت تیم همای تهران در همان سال از تیم‌های پاس و عقاب و دارایی و چند تیم بزرگ دیگه امتیاز کسب کرده بود و آن‌قدر خوب جنگیده بودند که تا مقام ششمی در تهران بالا آمده بودند و نتایج بازی‌های‌شان بسیار خوب وتیمی قابل احترام بودند.

و اما روز نخستین بازی من و واهیک مینابیان به‌عنوان یار کمکی و یا به عبارتی بازیکن جدید در تیم ایرانجوان در مقابل همای تهران با درخشش بزرگان و کاپیتان تیم عباس خان شریفیان و نادرخان اقدام و رسول خان حسن پور و حمیدخان اردلان و حسین حیدری (تینو) و محسن هاشمی و احمد صالحی‌زاده و برادران قدسی و دروازه‌بان، نتیجه خوبی گرفتیم در واقع می‌توانستیم مساوی کنیم ولی ۲ بر یک شکست خوردیم، و از همان‌جا عصبانیت هواداران شاهین کلید خورد و کادر فنی و مجموعه تیم را به چالش کشیدن و خیلی پرسش‌ها در ذهن‌شان درباره جذب نکردن ما کلید خورد که تا هنوز هم مورد ابهام هست و در موردش سوال می کنند و قانع نشدن، زیرا جواب‌ها



تیم ایرانجوان بوشهر در بازی گچساران در سال ۱۳۵۳
ایستاده از راست: ابراهیم نجاتی، واهیک مینابیان، احمد صالحی‌زاده، فرهاد امینی، حمید اردلان، بندامیری، علی جامه‌دار، رسول حسن‌پور، کاپیتان شریفیان.
نشسته از راست: حسین حیدری، محسن هاشمی، آل شریف، داریوش رنجبر، سینا، احمد پژند، صفرربیعانی، غلامرضا احمدی، نادر اقدام.

متفاوت بوده است.

حقیقت هرکس بود برای پاسخ به این سوال مجبور بود فرار به جلو کند و من از شعف دلم هر آن‌چه گفتند را حلال می‌کنم، اما سوگند به شرافت انسانی و به جان هر دو فرزندم، هرگز از آن‌ها چیزی درخواست نکردم و آن‌قدر با مهربانی و عطوفت و احترام با من برخورد کردند که من شیفته مرام و مردانگی آقای جواد گرانبها و آقای احمد تورانی و آقای غلام بوالخیری شدم، من به محض ورود به بوشهر به اتفاق واهیک مینابیان و ده نفر دیگه سپاهی بهداشت مثل حمید کاکاوند و حمید حقی و رضا رئوفی و بچه‌های دیگر خود را به سپاه بهداشت در خیابان سنگی روبروی کلانتری یک معرفی کردیم و پس از معرفی، یک هفته وقت داشتیم تا خود را به پایگاه سپاه بهداشت معرفی کنیم، پس ادعای کار و خواست ما از شاهین بوشهر، بهانه‌ای بیش نیست و از طرفی ما آن زمان هنوز در مهمانپذیر پارس روبروی غذاخوری حاج حسین پاسیار زندگی می کردیم و زمانی که از من نشانی خانه‌ام را پرسیدن من به آقا جواد گرانبها عرض کردم که هنوز جای مناسبی پیدا نکردیم که آدرس خدمت‌تان بدهم و به احتمال قوی تصور کردن که تمایل ندارم آدرس بدهم و یا به طرفی خواستار خانه و کاشانه شدم که شکر خدا آنقدر از نظر مالی تأمین بودم و تحت تکفل خانواده و بی نیاز از هر نیازی که پس از مدتی از منزل ننه



باقر در پشت مسجد برازجونی‌ها (توحید) به محله فرودگاه رفتیم و یک خانه دربست اجاره کردیم و تمام مدت در آن محله زندگی کردیم و جواب من برای قبول و پذیرش دوستان و طرفداران و هواداران جوانتر شاهینی‌های عزیز که همواره برایم قابل احترام هستند و با بزرگان این تیم مثل برادران تنی رابطه دارم و به دوستی به محمود ابراهیم‌زاده و احمد خان رزمی و عباس احمدی می‌بالم، من در دوران بازی در بوشهر با همه بزرگان تیم شاهین تماسی دوستانه داشتم و حتی دارم بمانند جناب وفایی و آقای چاپی پور، برادر مرحوم مصلح جناب سید جلال مصلح و آقای امیر گرگوری و...

بخاطر واهیک مینابیان به شاهین نرفتم

در نهایت هرگز راضی نبودم که این جمله را بگویم ولی متأسفانه بایست عرض کنم، تیم بزرگ تابان (شاهین) در سال ۱۳۵۲ دارای مهره‌های بسیار خوبی بود و در خط میانه بهترین بازیکنان را داشت از جمله احمد خان تورانی و شاه غلام بوالخیری و ابراهیم خان نجاتی و بهادرخان مصری و چند نفر دیگر و آن‌ها فقط و فقط تمایل به همکاری من به تنهایی داشتند و حقیقت من بدون واهیک مینابیان در هیچ تیم بوشهری به میدان نمی‌رفتم، حتی برای تمرین در جلسه اول چون واهیک مینابیان مثل برادر کوچک‌تر من بود و ایشان بسیار جوان و آینده‌دار و از جوانان خوب تیم آرارات به اتفاق ورژ خچومیان بود که پدر و مادرش بدست من سپرده بودند و من هرگز واهیک را تنها نمی‌گذاشتم حتی به قیمت بازی نکردنم. این مطلب را هرگز جایی فاش نکردم به احترام رفیق و دوستی با واهیک مینابیان عزیز، حال همه اهالی ورزش هر طور می‌خواهند مرا قضاوت کنند و بی ریا به همه باورهای شان احترام می گذارم و از شعف دلم می گویم همواره ایرانجوان و شاهین از بهترین بازیکنان بوشهر بهره‌مند بودند.

سرنوشت من از آن بازی رقم خورد

در پایان بازی خوب ایرانجوان مقابل همای تهران، و نتیجه بازی ایرانجوان و تیم همای تهران، باعث شد که عزیزان و بزرگان و مردان خوشنام مجموعه تابان بوشهر، توپ را به زمین من بیندازند و خداگواه است اصلا و ابدا راجع به پول و خانه و کاشانه و کار اصلا حرفی به میان نیامد و من علیرغم میل قلبی خودم برای رفع ابهام و پاسخ نهایی این را عرض می‌کنم. به هر حال خواست و اراده خالق هستی بود که من شانسی در آن بازی درخشیدم و عمو دلوی عزیز و پهلوان مرا از زمین فوتبال در استادیوم بوشهر قلمدوش کرد و تا حمام دلگشا در محله کوتی در حوضچه حمام به زمین گذاشت، در واقع سرنوشت من از آن بازی رقم خورد و خداوند منان سرنوشتم را به زیبایی نوشت و من نیم قرن است که شاگرد مکتب ایرانجوان بوشهر هستم و بخود می‌بالم و افتخار می کنم.

زنان ماستی

حسین موسوی‌نژاد



این تابلو ؛ شرح حال جانفشانی های زنان قهرمان؛ ولی گمنامی است که به صورت سمبولیک واغراق در نمایش مکان ،زمان،رنگ ،فضا والمانهای اشغال واشغالگری، یک‌جا و در یک کادر به تصویر کشیده شده است.

زنانی که در بحبوهه جنگ جهانی اول واشغال بوشهر توسط نیروهای انگلیسی، دوش به دوش مجاهدین مبارز، با دستان خالی و پاهای برهنه در برابر دشمن متجاوز ایستادند و حماسه آفریدند.

زنانی معروف به «زنان ماستی» که امروز در اذهان عموم و بخصوص نسل جوان به فراموشی سپرده شده و گهگاه در قالب یک ضرب‌المثل طنز گونه وتلخ، بدون آگاهی از ریشه‌های تاریخی آن وگاها برای اثبات استدلال‌های فردی بر زبان جاری می‌شود «به قول زنان ماستی...».

زنان ماستی کارگرانی بودند با تعدادی اندک ولی با شهامتی مثال زدنی در قالب گروه‌های کوچک که روزانه تولیدات روستایی خود را اعم از فرآورده‌های لبنی، سبزیجات، نان و غیره بدوش گرفته و نیمه‌های شب پیاده و با پای برهنه، طوری راهی شهر می‌شدند که هم‌زمان با طلوع خورشید بتوانند در بازار پاسخگوی مشتریان خود باشند و در پوشش همین شغل طاقت فرسا، رسالت اصلی خودشان که نقل و انتقال نیازهای لجستیکی مجاهدین از شهر به جبهه بود به جای بیاورند.

پخش خبرهای دست اولی از شهر به روستا ها و بالعکس همچنین خنثی‌سازی خبر های جعلی که در جهت مشوش کردن اذهان عموم و معمولا در کنسولگری انگلیس ساخته و پرداخته می‌شد، یکی دیگر از وظایف رسانه‌ای ملی خود در آن‌زمان می‌دانستند که توسط روشنفکران شهری تدبیر وهدایت می‌شد.

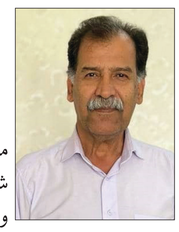
این داستان بین سال‌های ۳۲ و۳۳ از زبان یکی از آخرین بازماندگان زنان ماستی دوران جنگ شنیده بودم. از زبان زنی به نام مریم که در بازار به مریمو معروف بود.

زنی پیر وسالخورده با چند زنبیل سبزی خوردن که هر روز رأس ساعت معینی توی دکه خود واقع در بازار قدیم، چهارراه سبزی فروشان، نبش جنوبی پلکان بازار عطاران سبزی فروشی می کرد.

قهرمانی گمنام و بی‌ادعا که قبل از مصاف با اشغالگران در یک نبرد ظالمانه با بیماری آبله یک چشم خود را از دست داده بود وچین‌های عمیقی که در گذر زمان صورت آبله‌گون او را بدجوری شیار زده بودند به چهره‌اش صلابت خاصی داده بود. در ملاقاتی جمعی، وقتی که از او خواسته شد یکی از اشعار حماسی دوران جنگ را بخواند، با صدایی لرزان و آهسته، این‌طور شروع به خواندن کرد: اوو دریا شوره /چیشای جک‌ها کوره /زلفون کنسول بوره / می‌خوام برنو ببرم/ راه خونمون دوره

هداکِ موی مید

ابراهیم بشکانی



مدرسه که در بوشهر تعطیل شده بید چند روزی حاج‌بادوم و آدامس پُونی و خروس‌نشان فروخته بیدم و چند تومنی جمع کرده بیدم، یه روز قبل از ظهر رفتم دروازه تو میدون مسگرا یا همون میدون درویش منش و از دُکون سید حسن جاویدی یَک تِمن خیط میدی شماره ۲۰ خریدم با دوتا قلاب میدی شماره ۱۲ و فوری اومدم خونه یه کِل تخته‌ای تقریباً ۱۰ در ۱۵ سانتی پیدا کِردم و با سوهون کِراش صاف کردم و طوری که خیطکو خلبوس نشه دورش پیچیدم، دوتا قلابا هم رَده سفتی زدم و یکی بالا یکی دومنش بسم و سی سنگینیش، دو تا اِسک خارک پیدا کردم و وسطشون بسم و نادمش تو طاغچه تا صبا، و همینطو صبر کردم تا بعدازظهر که اُو دریا خوب خالی شد، همراه رسولو بچی همسایمون دُویدیم طرف دِریا و از پله روبرو خونه گرگو بخشی (آقای فرخ بوشهری) دومن رفتیم «معمولاً تو ماه‌های تیر و مرداد صبحِ‌ها آب دریاٍ پُرن (مد) و بعداز ظهرها (جذر) کاملاً خالی»، قبلاً به طرف شمال پله و پوزه نجفی که می‌رفتی همه اونجا سنگلاخ و گسار بید و زیر اون سنگ‌ها ربیون یا میگو حرومی و دود (کرم دریایی) پیدا می‌شد «اما متاسفانه چندین سال پیش بخاطر نشت مواد نفتی از غراب ها و سرازیر شدن به طرف خشکی کل آبزیان ریز و درشت کنار دیواره و زیر سنگ‌های ساحلی بوشهر از بین رفتند و دیگه هیچ اثری از آنها نیست»؛ رسولو یه قوطی کوچیکی پیدا کرد و اُورد، دوتایی گشتیم زیر سنگ‌ها یه مشتی دود گیر آوردیم و رِختیم تو قوطی و همونجا قایمش کردیم و رفتیم تو او شنو سیری کردیم و قوطی دودا برداشتیم و اومدیم خونه. صبح زود از خو بلند شدم و از پشت بون اومدم دومن یه تلیت چوی مَشتی زدم و خیط و قلاب و قوطی دودی نهادم تو یه کیسه و پوی پتی رفتم صدِی رسولو زدم و باهم به بطرف دریا رفتیم، روبروی شهرداری (عمارت امیریه)که رسیدیم دیدم اسمیلو و عمپو و تیتو و چند نفر دیگه دارن مید میگیرن، چون باد از باد نمی‌جنبید او دریا هم صاف و حصیری بید، فوری خیطام باز کردم و کِل دودی زدم سر قلاب و زُر دادم و اِنداختم دریا و یواش، یواش کشیدم که یک مرتبه یه موی میدی زدش و گیر افتاد، آوردمش بالا و همین‌طور میدای بعدی گرفتم، خیلی خوشحال بیدم، چون تعداد زیادی گرفته بیدم که رسولو گفت: بیا اول اینا بندیله کنیم بفروشیم بعد از نو بگیر، گفتم: باشه و خیطم جمع کردم، رسولو یه تیکه بَندی پیدا کرد و اُورد و دو تیکش کِردیم و باهم یکی یکی بند از تو غمغومشون رد کردیم و از تو دهنشون در اُوردیم وگره زدیم وبندیلشون کردیم و بردیم تو پله پاک شستیمشون چون تو خاک پلکیده بیدن و چول شده بیدن، بعد اومدیم بالا و تو دست گرفتیم و جلوی ماشینا که رد می‌شدن تکونشون می‌دادیم سی فروش، تا بالآخره یه ماشین ترمز کرد و خانمی که تو ماشین کِنار دست شوهرش نِشسه بید صدا زد گفت: بندیلی چند؟ گفتم:پنج زار گفت: باشه هر دوتاش بدین، هر دوتا بندیلش گرفت و یه نوت یک تومنی داد سیمو و رفت، عشق کردم و خوشحال شُدم که پیل خیطم درآوردم، فوری پیلکو زدم کِر لیفم و رفتم از نو شروع کردم به خیط انداختن، دو سه تا میده دیگه گرفته بیدم که یه بار همیطور که خیط زُر دادم و انداختم، دیدم خیطم تو دریا نیفتاد ولی صِدی آخ،آخ یکی از پشت سرم بلند شد، سر برگردوندم و سی کردم دیدم ماشو قاجو پُشتم صورتش گرفته و بوا بواشن و از چیشش خین میاد، قلاب درست رفته تو پِلک چیشش گیر کرده بید، دسپاچه شدم، نمی‌فهمیدم چه کنم حسابی ترسیده بیدم، با بوا بوا کردن ماشو چند نفر دُویدن طرفمون، اُما کسی نمی‌تونست کاری کنه چون قلاب وقتی جُی فرو بره بخاطر کِنه ای برجسته که نوکش داره براحتی در نمیاد، یه عامویی که اونجا ویساده بید گفت: دستش نزنین ولش کنین بدتر میشه، باید ببرینش بیمارستان تا جراحیش کنن درش بیارن، همی که ای گفت و اسم جراحی آورد مو تنم لرزید و خیلی ترسیدم، فوری زیرش چُکیدم و یواشکی خیط و قلاب و وسائلم ول کردم و پا به فرار گذاشتم و تو کیچه ناپدید شدم و همین‌طور که پشت سرم سی می کردم که کسی دنبالم نیا، رفتم تو خونه، یکم خستگیم که در رفت، یادم به پیلام افتاد، اُما هرچه دَسپلکو کردم دیدم یِک تومنیم دور لیفم نیس تا موقع دویدن تو کیچه افِتاده و مو نفهمیدم، حالا هم گِریم گرفته هم از ترس نمی‌تونم از خونه بیرون برم بگردم و پیداش کنم، خلاصه بعد از ساعتی رسولو پیداش شد و خیط و قوطی دودیم اُورد خونه و تعریف داد که ینفر با سیم چین خیطکو بریده و سی ماشو با دوچرخه برده درمانگاه روبروی مجسمه شاه و قلابکو درآوردن، کسی هم کار تو نداره، گفتم: راست میگی؟ گفت: ها والا گفتم: پس بدو بیریم تا پیلکو پیدا کنیم، ولی متأسفانه هرچه گشتیم چیزی پیدا نکردیم و غمگین برگشتیم خونه، اُما تو راه که میومدیم رسولو گفت: اِشکال نداره صبا صبح زودتر می‌ریم تلافیش در میاریم.

تعطیلات تابستانه مدارس در بوشهر

خاطرات توپ فوتبال چهل تکه

حسین شادکامی



توسون‌ها تو بوشهر ما بچه‌ها برای گذران وقت خود با انواع سرگرمی‌ها و بازی‌ها خود را بیرون از خانه مشغول می‌کردیم و بیشترین سرگرمی ما شنا تو دِریا و یا فوتبال بود.

عَلو که تا آن زمان تنها پسر خونه بید، بواش که او را خیلی دوست می داشت، با پول گلاته‌ای (حق‌السهم صفر دریایی)که نصیبش شد، از سفر کویت یه توپ چهل تکه‌ای برایش آورد که با بچه‌ها نرود تو دریا شنا کند. علو که توپ تو میدون آورد یکی یکی بچه‌ها به سمتش رفتند و توپش را تو دست گرفتند و لمسش کردند و دلشون نمی‌اومد رو زمین بزنند، از بسی که جلف و قشنگ بید.

محمدو که ضربه پای محکم داشت گفت: «عجب توپی ولی ای توپیکو با یه شوت زوارش در میات باید تموم دوخت هاش پیه بره (گوسفند) بخوره (به تجربه توپ‌های بلیدری) وگرنه چند روزه خراب میشه». علو که از پیشنهاد محمدو خوشش آومد گفت «بریم قصاب خونه سی پیه». سپس مو، علو، محمدو و رحمانو راه افتادیم از کنار ساحل دریا خور دی سیفو به طرف قصاب خونه که ربع فرسخ (۱۵۶متر) راه بید. به بقیه بچه ها تو میدون گفتم که تیل‌ها و تورها (دوتا چوب بلند و تورماهیگیری) ببندید تا ما برگردیم و اونا را منتظر نهادیم و به امید محمدو که یکی از فامیلاشون اونجا کار می‌کرد حرکت کردیم. موقع رسیدن محمدو رفت داخل قصاب‌خونه و ما، ری بلت (دیواره ساحلی) دریا ایستادم.چیزی نگذشت با یه مشت پیه تو کیسه ای در دست اومد و به ما گفت «بریم تو میدون تش بزیم و پیه‌ها را گرم کنیم و تو درزهای دوخت توپه بریزیم.» به میدون که رسیدیم مو رفتوم خونه و کل سگی (ظرف آبی سگ) و چبریت (کبریت) و مقداری هیزوم آوردم و کوشه خونه دی کل گرگی چاله‌ای درست کردیم وتش پیش کردیم و کل سگی روی چاله گذاشتیم و پیه‌ها داخلش ریختیم تا نرم شود و بعد از این‌که کمی سرد شد به دوخت‌های تکه‌های توپ می مالیدیم و یک ساعتی گذاشتیم تا چربی حسابی تو نخ های دوخت‌ها نفوذ کنه و خشک شود.

بچه‌ها در هیبله (تکاپو) بازی بودند، توپ که مجوز بازی گرفت با شوت محمدو همه مان دنبال توپ و زیر توپ بزن چه با پا و یا دست توپ سرگردون به هر جهتی از میدون می رفت و ما بچه ها هم به‌دنبال توپ.

چند دقیقه ای نگذشت که یهویی علو توپ تو دست گرفت گفت: «ای طوری توپکو خراب می‌شود یالا یارگیری کنیم و بازی کنیم.» خودش و محمدو سر گروه(کاپیتان) شدند و ما بچه‌ها دو نفر دو نفر می رفتیم و اسمی ری خومون می نهادیم و نزد سر گروه‌ها می‌اومدیم یکی می‌گفت: اسب می خوای یا خر؟ یکی می‌گفت سیب می‌خوای، یا خارک؟ هر دو نفری با اسم‌های عجیب غریب حاضر می شد و با گفتن نام‌ها، خنده در بین بچه ها بلند می شد. سرگروه‌ها به نوبت انتخاب می کردند. بعد از یارگیری کامل، منصورو که ریزه میزه بید، به تیمی که ضعیف‌تر بید دادیم. داور بازی در نیمه اول علو بید و در نیمه دوم محمدو (کاپیتان های تیم).

دو تیم که مشخص شد مقابل هم قرار گرفتند. امروز اولین روز بازی‌مون بید که با توپ فوتبال چهل تکه واقعی بازی می‌کردیم و خیلی دل‌مون خش بید. ریتم بچه ها در پاس دادنٍ و توپ کشی‌ها با این توپ کمتر خطا داشتند، قبلاً با توپ ربنی و بلیدری که دوازده تکه که از چرم قهوه‌ای درست شده بید و بالایش مثل بند جوتی (کفش)که برای تعویض یا پنچری بلیدرش راحت باز می‌شد، بازی می‌کردیم که بعد از مدتی از گردی در می‌اومد و مثل توپ بیس بال پولقکی(بیضی) می‌شد و یا زمانی که توپ باد می‌زدیم سر بلیدر که مثل بمبله(بادکنک) می‌بستیم و با مداد سر را زیربندهای توپ می‌بردیم که دقت زیاد می‌خواست تا مبادا مواقع نوک مداد بلیدر پنچر نکند و موقعی که دیگه نمی‌شد پنچریش‌بگیریم مجبور بودیم کاغذ و پنبه داخلش پچپونیم و بازی کنیم.

با توپ بلیدری شوت و یا سر زدن سخت بید و به جایی که می‌خواستی نمی رفت. همه پاس‌ها چپکی بید پاس یار خود می‌دادی، می‌رفت تو پای یار حریف و بعد از بازی حسابی پا درد می گرفتیم. ولی این توپ چهل تکه حسابی ما یه بازیکن حرفه ای کرده بید و خستمون نمی‌شد. دیگه خطاها و اشتباها کمتر شده بید. یک ساعت و نیمی که گرم بازی بیدیم با نتیجه ۸ بر ۱۲ برده بیدیم که یهویی دی (مادر) علو اومد و با تشر گفت: «بازی تو ای افتو سر سام می گیرین، یالا علو بوات(پدر) اومده بیو خونه می‌خیم چاس (نهار) بخوریم.»

علو فورا توپش گرفت و با دیش (مادرش) رونه خونشون شدند و گفت: «بچه ها فردا زودتر بیاید».

تیل و تورها به کمک بچه‌ها جمع کردیم و یکی یکی تا روز دیگر به خونه هاشون رفتند و به هم می‌گفتند که عجب توپی بود. آرزو داشتیم که شاید بتوانیم با این توپیکو یه فوتبالیست خوبی بشویم و تو تیم شاهین و یا ایران جوان بازی کنیم.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



درخشش زوج دو ومیدانی کار دیری در مسابقات جهانی



مسابقات دو میدانی شرکت‌های معتبر دنیا با حضور ۲۶ کشور در روسیه برگزار شد.

در این رقابت‌ها علی قاسمی دونده دیّری با مربیگری امیرحسین عابدی در رشته پرش طول مقام دوم را به دست آورد و همسرش زهرا بهمنی در دو ۱۰۰ متر مقام سوم این مسابقات را کسب کرد. در مجموع این مسابقات تیم ایران به مقام قهرمانی رسید./ هیرون

بوشهر در میان استان‌های ناامن غذایی کشور

رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی کشور گفت: ۸ استان کشور از نظر تغذیه نیاز به توجه بیشتری دارند که در سند ملی امنیت غذایی نیز برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود وضعیت امنیت غذایی در این استان‌ها تدوین شده است که باید با همکاری همه دستگاه‌های ذیربط اجرایی شود.

این ۸ استان شامل سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، هرمزگان، بوشهر، خوزستان، کرمان و خراسان جنوبی است./ایلنا

سرمربی ایران جوان بوشهر انتخاب شد



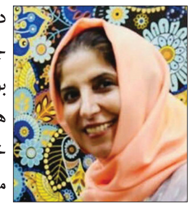
«سیامک فراهانی» طی قراردادی سکاندار تیم بزرگسالان ایران‌جوان بوشهر در مسابقات لیگ دسته دوم کشور شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر، سیامک فراهانی طی قراردادی سکاندار تیم بزرگسالان ایران‌جوان بوشهر در مسابقات لیگ دسته دوم کشور شد.

وی سابقه سرمربی گری در لیگ یک به همراه داماش گیلان و همچنین پاس همدان در لیگ دو را دارد و تنها مربی در ایران است که یک تیم لیگ دویی را به فینال جام حذفی کشور رهنمون ساخته است.(داماش فصل ۹۸-۹۷). تمرینات تیم فوتبال ایران‌جوان بوشهر نیز زیر نظر سرمربی جدید برای حضور در رقابت‌های فصل آینده لیگ دسته دوم کشور بزودی آغاز خواهد شد.

می‌مانم یا نمی‌مانم؟

مژده مواجی - آلمان



در ایستگاه زیرزمینی مترو چند نفری منتظر قطار بودند. صبح زود بود و هنوز از ازدحام جمعیت خبری نبود. روی صفحه مانیتور آمدن قطار نمایان و همزمان با بلندگو اعلام شد. قطار که نگه داشت، مردی میان‌سال داخل آن رفت، به صندلی‌ها نگاهی انداخت و چشمش به زنی افتاد که روی صندلی‌های دونفره، روبه‌روی هم نشسته بود؛ چهره‌ای آشنا. به او لبخندی زد، به طرفش رفت، با او احوالپرسی کرد و روبه‌رویش نشست. مرد پرسید: «تعطیلی تابستانی شروع شده و وقت استراحتِ معلم‌ها. مسافرت می‌روی؟»

– مسافرت کوتاه. واقعاً نیاز به استراحت دارم. تنِش زیاد بود، طوری که خسته‌ام کرد. سال عجیبی بود.

مرد لبخندی زد و گفت: «حتماً دانش‌آموزانِ سرکشی داشتی. سال تحصیلی گذشته در مدرسه‌تان چطور بود؟»

زن نفسی عمیق و کشید: «در مدرسه، کلاسی مخصوص دانش‌آموزان اوکراینی داریم. کلاسی از نوجوان‌هایی که با شروع جنگ به آلمان آمده‌اند.»

– جالب است. تعریف کن.

– مدرسه من را به‌عنوان معلم زبان آلمانی آن‌ها انتخاب کرد؛ حدود ۲۲ نوجوان در یک کلاس. کنارآمدن با آن‌ها خیلی آسان نبود. نمی‌دانستم چه‌طور به آن‌ها بفهمانم که الانِ در آلمان‌اند و باید آلمانی یاد بگیرند. اغلب اصلاً کلاس را جدی نمی‌گرفتند.

– مواردی مشابه را از افراد دیگر هم شنیده‌ام و حتی در روزنامه خوانده‌ام. چه دلیلی می‌آوردند؟

زن آهی کشید: «هر روز جروبحث داشتیم. می‌گفتند پدرمان یا برادرمان آن‌جا در جنگ‌اند یا این که آن‌ها را از دست داده‌اند و ما این‌جا حال‌مان خوب نیست و نگران آینده‌ایم.»

زن مکثی کرد و ادامه داد: «البته آن‌ها و خانوده‌شان از طرف کلیسا برای بهترشدن شرایط روحی‌شان حمایت می‌شوند. کشیش‌هایی هم هستند که از اوکراین آمده‌اند و این کار را به عهده دارند و می‌خواهند به آن‌ها امید بدهند.»

مرد به زن چشم دوخت و گفت: «تو تجربهٔ زیادی در تدریس دانش‌آموزان داری.»

–من در مدرسه به نوجوانان زیادی تدریس کرده‌ام. خیلی از آن‌ها پناه‌جویانی بودند که از کشورهای در حال جنگ و ویران‌شده فرار کرده بودند. آن‌ها



می‌دانستند که ماندگارند و یادگیری زبان آلمانی را جدی می‌گرفتند. تدریس به دانش‌آموزان اوکراینی تجربهٔ جدیدی بود. هرچند آن‌ها از بدو ورود تمام امکاناتِ رفاهی مثل کارت بیمهٔ درمانی، خانه، بلیت‌های رایگان و چیزهایی از این قبیل را بسیار بهتر نسبت به دیگر پناه‌جویان داشته‌اند، اکثراً بدون انگیزه سر کلاس می‌نشستند و بیشتر برایشان وقت‌گذرانی بود. چند دانش‌آموزی هم که مرا همراهی می‌کردند، از طرف بقیه تحت فشار بودند.

– آن‌ها به‌صورت آنلاین هم امکان ادامهٔ مدرسهٔ خودشان را به‌زبان اوکراینی دارند.

زن گوش به بلندگوی قطار گوش سپرد؛ ایستگاهی بود که باید پیاده می‌شد. او سرش را به‌علامت تأیید تکان داد، از روی صندلی بلند شد و گفت: «آن‌ها همه چیز را موقتی می‌بینند و فکر می‌کنند که هرچه زودتر به اوکراین برمی‌گردند. زبان آلمانی به چه دردشان می‌خورد که یاد بگیرند.»

ایران‌جوان لیگ دویی شد

به گزارش روابط عمومی باشگاه ایران‌جوان بوشهر، باشگاه ایران‌جوان بوشهر با خرید سهمیه باشگاه بعثت کرمانشاه لیگ دویی شد.

با حضور سعید مفتخر، محسن کواری زاده بوشهری، احمد چاهکوتایی، عطا وزیری و سجاد مشایخ در مرکز، طی مبادلات صورت گرفته، امتیاز لیگ دسته دوم باشگاه بعثت کرمانشاه به باشگاه ایران جوان بوشهر منتقل گردید. لذا به زودی تمرینات تیم بزرگسالان ایران‌جوان شروع خواهد شد.



ایرانجوان نیاز به حمایت دارد

نعمت امین نژاد - خبرنگار ورزشی



ایرانجوان بوشهر لیگ دو را قبلا تجربه کرده است. بله ایرانجوان این راه را قبلا رفته هم در لیگ دو بوده و هم در لیگ یک و هم سه سال بود که در لیگ سه توپ زده است، و خوب تجربه کسب کرده است. این تیم ریشه دار، قدیمی و بزرگ و با قدمتی نزدیک به صد سال و بار کوله‌باری تجربه، بایستی الان در لیگ یک کشور باشد و حتی هم لیگ برتر، چون این تیم بارها تا مرز صعود به لیگ‌های مختلف کشور رفته است و حتی می‌توانست راحت به لیگ برتر صعود کند که با بدشانسی آن سال و با تساوی در خانه حریف، بدون گل از خرم آباد برگشت و در بازی که در خانه انجام داد، بازی با نتیجه ۲ بر ۲ تمام شد و با تفاضل گل کمتر به لیگ برتر صعود نکرد.

تیم ایرانجوان بهترین مربیان را داشته، از قدیم‌الایام، بزرگانی چون زنده یاد علی اکبر پورکبگانی مرد بزرگ فوتبال بوشهر و به طبع در کشور، زنده یاد حاج مجید چاهی بخش که چندین سال در این تیم به عنوان یک مربی به تمام معنا بود، پاپیان مربی باتجربه در مربیگری و تغذیه، اصغر شرفی بازیکن قدیمی تیم های ملی و مربی کار کشته، غلامرضا دلگرم بومی استان و ناصر ابراهیمی مربی تیم‌های ملی و فوتبال بلد و خیلی های دیگر. در واقعا می‌شود گفت این تیم یک کارخانه بازیکن سازی در نوع خودش بوده است. در این تیم بازیکنان بزرگی بازی کرده اند که نامشان همیشه جاودان است، و واقعا هم که هیچ وقت به حقش نرسید.

به هرحال تیم ایرانجوان بوشهر امسال با خرید سهمیه باشگاه بعثت کرمانشاه وارد لیگ دو شده است و الان هم به یاری و کمک دلسوزان ورزش این خانواده؛ سعید مفتخر مدیرعامل دلسوز و مربی قبلی این تیم، سجاد مشایخ کاپیتان ارزنده و سابق این تیم، عطا وزیری سرپرست زحمت کش و دلسوز، احمد چاهکوتاهی متعصب و پای کار و همچنین محسن کواری‌زاده بوشهری، می‌خواهند نام ایرانجوان را در لیگ دو دوباره زنده کنند.

به هرحال این فصل جدید، این عزیزان کمر همت را بسته‌اند تا این تیم را دوباره در لیگ دو احیاء کنند.

الان نوبت مسوولان ارشد استان است، از هیات فوتبال، اداره کل ورزش و جوانان استان، کانون هوداران، تماشاگران پرشور بوشهری و با تعصب، استانداری، فرمانداری و شهرداری و... همه و همه، بیایند پای کار و این تیم را حمایت همه جانبه کنند.

خودتان می‌دانید، لیگ دویی ماندن و صعود کردن، شوخی نیست، همه تیم‌ها در حال تلاش هستند که بهترین بازیکنان جا مانده از لیگ‌های دیگر را به تیم خودشان تزریق کنند، وصد البته، با توجه به هزینه کردن در مسابقات و خرید بازیکنان بومی و غیر بومی که امسال نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است، باید این تیم حمایت شود، هم از نظر اسپانسر مالی، و همه حمایت همه جانبه مسوولان ارشد و دلسوز ورزش فوتبال استان را طلب می‌کند، که آستین‌های خودشان را بالا بزنند و نگاه ویژه‌ای به تیم های لیگی کنند. چون بدون پشتوانه مالی خوب در ادامه با مشکل مواجه خواهند شد.